



متن استفتاء ریاست اطلاعات و آگاهی عامه

به ریاست محترم مجمع علمی!

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

موضوع: درخواست فتوی پیرامون به احکام ماه مبارک رمضان

طوریکه ریاست محترم مستحضرانده ماه مبارک رمضان درحال فرارسیدن است جهت تنویر اذهان عامه جا دارد فتوایی را در رابطه به احکام عمومی که شامل حال عامه مسلمانان شود، ترتیب و به این ریاست ارسال نمایند.

تا بعد از وصول آن از طریق رسانه ها، وب سایت، صفحات اجتماعی و مجله پیام حق به آگاهی مردم رسانیده شود. از همکاری های همیشه گی تان ابراز سپاس می نمایم.

با احترام

الجواب باسم ملهم الصواب

حامدا لله ﷻ ومصليا على رسول الله ﷺ

مستفتی محترم به مسائل مطرح شده در متن استفتاء ذیلا چنین پاسخ ارائه میگردد:

جایگاه روزه در اسلام

روزه در اسلام از جایگاه والایی برخوردار است، به طوری که یکی از ارکان پنجگانه اسلام را تشکیل می دهد و زمینه ساز متقی گشتن انسان می شود که تقوی خود شامل تمام خصلت های نیک و پسندیده می باشد و درهای رحمت و برکت خداوند ﷻ را بر

انسان باز می کند، همان طور که خداوند ﷻ می فرماید:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ الاعراف/۹۶

یعنی: اگر اهل این آبادی ها ایمان می آوردند و پرهیزگاری را پیشه می کردند؛ درهای خیر و برکت آسمان و زمین را بر آن ها بازمی کردیم.

خداوند ﷻ در حدیث قدسی در مورد ارزش و جایگاه روزه فرموده است: «كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصِّيَامَ؛ فَإِنَّهُ لِي وَ أَنَا أُجْزِي

بِهِ. وَ الصِّيَامُ جُنَّةٌ؛ فَإِذَا كَانَ يَوْمٌ صَوْمٍ أَحَدِكُمْ فَلَا يَرْفُثُ وَ لَا يَصْنَبُ؛ فَإِنْ سَابَّهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ؛ فَلْيَقُلْ إِنِّي صَائِمٌ.

وَ الَّذِي نَفْسٌ مَّحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَخُلُوفٌ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمَسْكِ. لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ يَفْرَحُهُمَا: إِذَا أَفْطَرَ

فَرِحَ بِفِطْرِهِ؛ وَ إِذَا لَقِيَ رَبَّهُ فَرِحَ بِصَوْمِهِ» صحیح مسلم حدیث شماره (۲۱۶۳)

یعنی: «تمام اعمال آدمیان برای خودشان است؛ مگر روزه که برای من است و من خود پاداش آن را می دهم و روزه سپری است [که

انسان را در مقابل دوزخ و یا گناهان حفظ می کند] پس اگر روزه بودید؛ سخن زشت و ناسزا نگوئید و آوازتان را بلند نکنید و اگر کسی

شما را دشنام داد یا با شما جنگید به او بگوئید: من روزه ام. قسم به خدایی که جان محمد در دست اوست، بوی دهان روزه دار نزد خداوند

از بوی مشک خوشبوتر است. برای روزه دار دو وقت شادی وجود دارد: یکی هنگام افطار و دیگری زمانی که پروردگارش را ملاقات می‌کند. «ریاض‌الصالحین، ترجمه عبدالله خاموش هروی، ص ۷۱۱-۷۰۹، متفق علیه

نبی اکرم ﷺ می‌فرماید:

«إِنَّ فِي الْجَنَّةِ بَاباً يُقَالُ لَهُ الرَّيَانُ يَدْخُلُ مِنْهُ الصَّائِمُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. لَا يُدْخَلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ. يُقَالُ: أَيْنَ الصَّائِمُونَ؟ فَيَقُولُونَ لَا يَدْخُلُ مِنْهُ أَحَدٌ غَيْرُهُمْ، فَإِذَا دَخَلُوا أُغْلِقَ فَلَمْ يَدْخُلْ مِنْهُ أَحَدٌ».

متفق علیه ریاض‌الصالحین، ترجمه‌ی عبد الله خاموش هروی، ص ۷۱۱-۷۰۹،

یعنی: «در بهشت دری است که «ریان» نام دارد و در روز قیامت تنها روزه داران از آن وارد بهشت می‌شوند و به‌جز آنها کسی وارد نمی‌شود. گفته می‌شود: روزه‌داران کجایند؟ روزه‌داران می‌ایستند و به جز آن‌ها کسی از آن وارد نمی‌شود؛ وقتی که آنان وارد شدند، در بسته می‌شود و دیگر کسی از آن وارد نمی‌شود» .
و همچنان رسول الله ﷺ مهربانی کرده :

«مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَإِحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ» رواه البخاري حديث شماره (۳۷)

یعنی: هر کس رمضان را از روی ایمان و به امید دریافت اجر و ثواب روزه بگیرد؛ گناهان گذشته او مورد مغفرت قرار می‌گیرند .
در حدیثی از عبدالله بن عمر رضی عنهما وارد شده که می‌فرماید: از رسول خدا ﷺ شنیدم که فرمود: «بنی‌الإسلام علی خمس شهادة أن لا إله إلا الله وأن محمداً رسول الله وإقام الصلاة وإيتاء الزكاة وحج البيت وصوم رمضان». متفق علیه .
ترجمه: «اسلام بر پنج چیز بنا شده است؛ شهادت به اینکه هیچ الهی جز خداوند یگانه نیست و محمد ﷺ پیامبر و فرستاده اوست؛ بر پا داشتن نماز؛ دادن زکات؛ و حج خانه خداوند ﷻ و روزه ماه رمضان»

بنابراین روزه رمضان از باب عرف و فرهنگ و عادات و تقالید یک مجتمع نیست بلکه عبادتی است که خداوند ﷻ آن را بر امت اسلامی فرض گردانیده است.

امام غزالی رحمه الله در کتاب خود احیاء علوم الدین ج: ۱ ص: ۵۰۵ طبع شرکت انتشارات علمی و فرهنگی در مورد چنین فرموده است: بدان که روزه ربع ایمان است بدانچه پیامبر ﷺ فرموده است: الصوم نصف الصبر و در حدیث دیگری گفته است: الصبر نصف الايمان .

فرضیت روزه ماه مبارک رمضان:

اولاً در مورد تاریخ فرضیت روزه باید بگویم که روزه ماه مبارک رمضان در ماه شعبان سال دوم هجری فرض گردید و خداوند ﷻ خطاب به مؤمنان فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾ بقره/۱۸۳

یعنی: ای مؤمنان روزه بر شما فرض شده است همان طوری که بر پیشینیان شما فرض بوده است تا شاید پرهیزگار شوید.

حکمت تأخیر در فرضیت روزه

روزه در واقع بعد از گذشت حدود چهارده سال از رسالت پیامبر اکرم ﷺ فرض گردید؛ به طوری که پیامبر ﷺ بعد از آن فقط نه بار رمضان را روزه گرفتند و بعد از آن به دیار باقی شتافتند.

استاد ابوالحسن ندوی هم در کتاب خود الارکان الاربعة ص: ۲۰۶ در مورد علت این تأخیر گفته است:

فلسفه تأخیر وجوب روزه به اواسط دوره رسالت محمد ﷺ به این خاطر بوده است که تصور نشود روزه یک امر اضطراری و ناشی از محیط مکه و وضعیت بد مسلمانان در آنجا است و فقط به مستمندان و بینوایان و رنج دیدگان اختصاص دارد و ثروتمندان و صاحبان املاک و باغها نیازی به روزه و روزه داری ندارند.

شرایط روزه

روزه دارای سه گونه شرایط می باشد:

شرایط وجوب

شرایط اداء

شرایط صحت

شرایط وجوب روزه:

اسلام: هر مسلمان بودن بر کافر روزه فرض نیست.

بلوغ: رسیدن به سن تکلیف بر کودک نابالغ روزه فرض نیست.

عقل: صاحب عقل بودن بر دیوانه روزه فرض نیست.

الدلیل علی ما قلنا:

درمراقی الفلاح طبع المكتبة العصرية ج: ۱ ص: ۲۳۸ چنین آمده: (وهو) أي صوم رمضان (فرض) عین (اداء وقضاء علی من اجتمع فيه أربعة أشياء) هي شروط لافتراضه والخطاب به وتسمى شروط وجوب أحدها (الإسلام) لأنه شرط للخطاب بفروع الشريعة (و) ثانيها (العقل) إذ لا خطاب بدونه (و) ثالثها (البلوغ) إذ لا تكليف إلا به (

در کتاب البحر الرائق طبع دارالمعرفة ج: ۲ ص: ۲۶۷ چنین نوشته: (وَشَرَائِطُهُ ثَلَاثَةٌ شَرْطٌ وَجُوبٌ وَهُوَ الْإِسْلَامُ وَالْبُلُوغُ وَالْعَقْلُ كَذَا فِي النَّهْيَةِ وَفَتْحِ الْقَدِيرِ)

در شرح فتح القدیر طبع دارالفکر ج: ۲ ص: ۳۰۲ چنین فرموده: (وشرط وجوبه الإسلام والبلوغ والعقل)

۲ شرایط اداء روزه:

اقامت: اداء روزه ماه مبارک رمضان بر کسی فرض می گردد که مقیم باشد پس ادای آن بر مسافر شرعی فرض نیست.

سلامت جسمی : اداء آن برکسی فرض می گردد که سالم و تندرست باشد اداء آن بر بیمار به اینطور بیماری که طاقت گرفتن روزه را بالکلیه نداشته باشد و یا به گرفتن روزه خوف هلاکت جانش باشد و یا هم باعث ازدیاد مرض گردد فرض نیست.
الدلیل علی ماقلنا:

در کتاب مراقی الفلاح طبع المكتبة العصرية ج: ۱ ص: ۲۳۸ چنین آمده: (ويشترط لوجوب أدائه) الذي هو عبارة عن تفرغ الذمة في وقته (الصحة من مرض) لقوله تعالى فمن كان منكم مريضا الآية (و) الصحة أي الخلو عن (حيض ونفاس) لما قدمناه (وإقامة) لما تلوناه (ويشترط لصحة أدائه) أي فعله ليعكون أعم من الأداء والقضاء (ثلاثة) شرائط (النية) في وقتها في كل يوم (والخلو عما ينافيه) أي ينافي صحة فعله (من حيض ونفاس) لما فاتهما (و) الخلو (عما يفسده) بطروئه عليه (

۳ شرائط صحت روزه:

پاک بودن از حیض و نفاس . ادای آن بر زن در صورتی فرض می گردد که از حیض و نفاس پاک باشد پس اداء آن بر زن حائضه و نفسا فرض نیست .

نیت کردن روزه ماه مبارک رمضان.

والدلیل علی ماقلنا

در البحر الرائق طبع دارالمعرفة كتاب الصوم ج: ۲ ص: ۲۷۶ چنین آمده :

(وَقَعَ الْإِخْتِلَافُ فِي الطَّهَارَةِ عَنِ الْحَيْضِ وَالنَّفَاسِ فَذَهَبَ أَهْلُ التَّحْقِيقِ إِلَى أَنَّهَا شَرْطُ الْوُجُوبِ فَلَا وَجُوبَ عَلَى الْحَائِضِ وَالنَّفَسَاءِ)

در البحر الرائق طبع دارالمعرفة كتاب الصوم ج: ۲ ص: ۲۷۹ چنین آمده : (وَاشْتُرِطَتْ الذِّيَّةُ لِتَمَيُّزِ الْعِبَادَةِ عَنِ الْعَادَةِ)

احکام متفرقه روزه:

احکام روزه کهن سالان ؛ مریضان ؛ مسافران و زنان

۱ پیر مردان و پیر زنان:

دین مبین اسلام به انسانهای سالخورده که بالکلیه توانایی روزه گرفتن را ندارند اجازه داده روزه نگیرند و فدیة بپردازند و در بدل هر روز به يك نفر مسكين را غذا بدهند.

خداوند ﷻ می فرماید: (وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامَ مِسْكِينٍ) بقره/ ۱۸۴

«و بر کسانی که گرفتن روزه برای آنها مشکل و سخت است و توان آن را ندارند واجب است فدیة بدهند که (عبارت است از) غذا دادن در عوض خوردن هر روزه به يك مسكين در دو وقت صبح و شام و یا تقریبا دو کیلو گندم در بدل هر روز».

الدلیل علی ماقلنا:

چنانچه در احكام القرآن للجصاص طبع دارالاحياء التراث العربى ج: ۱ ص: ۲۱۸ چنین تصریح گردیده: (قال أبو حنیفة وأبو یوسف ومحمد وزفر الشیخ الكبير الذي لا يطيق الصيام يفطر ويطعم عنه كل يوم نصف صاع من حنطة ولا شيء عليه غير ذلك)

بیمار: ﴿۲﴾

در صورتیکه داکتر ماهرودیندار توصیه به افطار کند و بگوید برایش که جزبه افطار کردن از بیماریش جور نمی شود بلکه خوف هلاکت و یا از دیدن مرض می باشد پس در این صورت میتواند افطار کند و هنگامی که بهبود یافت آن ایام را قضا آورد. و کفاره بر او لازم نیست و اگر با وجود بیماری روزه گرفت روزه او صحیح می باشد.

دلیل به آنچه گفته شد:

چنانچه خداوند ﷻ می فرماید: ﴿فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ بقره: ۱۸۴

در کتاب الهدایه ج: ۱ ص: ۲۰۳ طبع امیر حمزه کتب خانه کانسوی رود کویته چنین آمده است: (ومن كان مریضا فی رمضان فخاف ان صام از داء مرضه افطرو قضا)

اما بیماری که امید بهبودی و شفا ندارد یعنی مریض به مرض موت می باشد روزه نگیرد و بجای هر روز از روزه رمضان به يك نفر مستکین غذا بدهد و بر چنین شخصی لازم نیست که قضاى روزه را بگیرد.

مسافر: ﴿۳﴾

خداوند به شخص مسافر اجازه داده که روزه نگیرد تا به مشقت دچار نشود ولی اگر شخص مسافر روزه گرفت روزه اش صحیح و بهتر است.

دلیل بر آنچه گفته شد:

چنانچه خداوند ﷻ فرموده: ﴿أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ﴾ سوره بقره/ ۱۸۴

در احكام القرآن للجصاص دار احیاء التراث العربی ج: ۱ ص: ۲۶۵ چنین آمده: (وقد ثبت عن النبي ﷺ بالخبر المستفيض الموجب للعلم بأنه صام في السفر وثبت عنه أيضا إباحة الصوم في السفر منه حديث هشام بن عروة عن أبيه عن عائشة أن حمزة بن عمرو الأسلمي قال لرسول الله ﷺ أصوم في السفر فقال ﷺ إن شئت فصم وإن شئت فأفطر)

همچنان در کتاب البدائع الصنائع طبع دارالکتب العربی ج: ۲ ص: ۹۵ چنین آمده است:

وَلَنَا مَا رُوِيَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ صَامَ فِي السَّفَرِ وَرُوِيَ أَنَّهُ أَفْطَرَ وَكَذَا رُوِيَ عَنِ الصَّحَابَةِ أَنَّهُمْ صَامُوا فِي السَّفَرِ وَرُوِيَ أَنَّهُمْ أَفْطَرُوا حَتَّى رُوِيَ أَنَّ عَلِيًّا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَهَلَ هَلَالَ رَمَضَانَ وَهُوَ يَسِيرُ إِلَى نَهْرٍ وَأَن فَاصْبَحَ صَائِمًا وَلَا أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَعَلَ الْمَرَضَ وَالسَّفَرَ مِنَ الْأَعْدَارِ الْمُرَخَّصَةِ لِلْإِفْطَارِ تَيْسِيرًا وَتَخْفِيفًا عَلَى أَرْبَابِهَا وَتَوْسِيْعًا عَلَيْهِمْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى { يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ }

در کتاب الهدایه ج: ۱ ص: ۲۰۳ طبع امیر حمزه کتب خانه کانسوی رود کویته چنین آمده است:

(وان كان مسافر الايستضر بالصوم فصومه افضل وان افطر جاز)

۴ زنان باردار و شیرده :

زن باردار و شیرده در حکم روزه چارحالت دارد:

1. در صورتیکه هیچ نوع زیانی در اثر روزه داری به خود او و فرزندش نرسد لازم است روزه بگیرد و رخصت در ترک آن برایش نیست.
2. هرگاه زیان متوجه خود زن شود ولی جنین و یا طفلش متضرر نشوند حق افطار را دارد و بالایش در صورت خوردن قضاء لازم می آید.
3. زمانی که در اثر روزه داری طفل و یا جنین زیان ببینند حق افطار را دارد و در این صورت بالایش فقط قضاء لازم می آید نه كفاره .
4. در اثر روزه گرفتن هردو جانب (زن ؛ طفل و یا جنین) زیان مند شوند نیز حق افطار را دارند و صرف قضا لازم می آید.
5. والدلیل علی ذلک :
6. در احکام القرآن للجصاص دارالاحیاء التراث العربی باب الحامل والمرضع: ۱ ص: ۲۲۳ چنین آمده: (قال أبو حنیفة وأبو یوسف ومحمد وزفر والثوری والحسن بن حی وإذا خافتا علی ولدیهما أو علی أنفسهما فإنهما یفطران وتقضیان ولا كفارة علیهما)
7. امام الشیبانی رحمه الله در المبسوط طبع إدارة القرآن والعلوم الإسلامیة کراچی ج: ۳ ص: ۲۴۵ چنین تصریح نموده: (قلت رأیت المرأة الحامل والمرضع التي تخاف علی الصبی أو الحامل تخاف علی نفسها قال یفطران ویقضیان یوما مکان کل یوم ولا كفارة علیهما)
8. همچنان در النتف فی الفتاوی طبع موسسه دارالرسالة بیروت ج: ۱ ص: ۱۴۷ چنین آمده: (والثالث الحامل اذا خافت علی حملها تفطروالربع المرضعة اذا خافت علی ولدها ولا تقدر ان تسترضع لولدها ظنرا)

۵ خانم هایی که در عادت ماهوار یا نفاس هستند:

بانوانی که برایشان عادت ماهوار پیش می شود برایشان لازم است که روزه نگیرند و بعد از رمضان قضا نمایند.
دلیل بر آنچه گفته شد:

در الاختیار طبع دارالکتب العلمیة ج: ۱ ص: ۳ چنین آمده: (وهو یسقط عن الحائض الصلاة أصلا ، ویحرم علیها الصوم فتقضیه)
لقول عائشة: كن النساء علی عهد رسول الله ﷺ یقضین الصوم ولا یقضین الصلاة ' ولأن الصلاة تتكرر فی كل شهر وكل یوم فتخرج فی القضاء، والصوم فی السنة مرة فلا حرج)

۶ سن بلوغ دختران و پسران:

سن تکلیف در اسلام بر اساس بلوغ تعیین شده است، یعنی وقتی نشانه های بلوغ (حداقل این علامت ها، احتلام که منی ببیند و یا یک زن را حامله بسازد برای پسران و حیض خون حامله و یا احتلام برای دختران است) حاصل شود، شخص به سن تکلیف می رسد. و غیر از نشانه های طبیعی، معیار سنی هم برای بلوغ پسران و دختران، در نظر گرفته شده است. پس اگر دختر یا پسر نشانه های طبیعی بلوغ را نداشتند و به سنی که در شرع برای تکلیف آنان مشخص شده است، برسند، باید همانند یک مکلف، به وظایف شرعی خود عمل کنند.

بنابراین؛ سن بلوغ دختران را وپسران بر مذهب احناف زادهم الله مجددا بنا به قول راجح ۱۵ سالگی می باشد اگر دختری حیض ببیند یا حامله شود ویا پسری احتلام شود بنا بر همه مذاهب بالغ شده است، اگرچه مثلاً به سنی برای شروع تکلیف دختر وپسر ذکر کرده اند نرسیده باشند.

دلیل بر آنچه گفته شد:

چنانچه در درالحکام شرح مجلة الاحکام طبع دارالکتب العلمیة بیروت لبنان ج: ۲ ص: ۶۳۳ آمده:

(الْإِحْتِلَامُ كَمَا يَكُونُ لِلرِّجَالِ عَلَامَةً لِلْبُلُوغِ يَكُونُ لِلنِّسَاءِ كَذَلِكَ ، لَكِنْ كَمَا يَخْتَصُّ الْإِحْبَالُ بِالرِّجَالِ يَخْتَصُّ الْحَيْضُ بِالْإِنَاثِ)

در العنایة شرح الهدایة ج: ۶ ص: ۹۹ چنین آمده :

«بلوغ الغلام بالاحتلام والاحبال والانزال) والاصل هو الانزال (والجارية بالاحتلام والحیض والحبل) ولم يذكر الانزال صریحا لانه قلما يعلم منها (فإن لم يوجد فیهما) شی (فحتى يتم لكل منهما خمس عشرة سنة، به یفتی) لقصر أعمار أهل زماننا»

هنچنان در الدرالمختار طبع دارالفکر ج: ۵ ص: ۴۴۸ طبع دارالفکر عبارت چنین است:

(وَكَذَا الَّتِي بَلَغَتْ بِالسِّنِّ) أَي خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً «

در درالحکام شرح مجلة الاحکام ج: ۲ ص: ۹۸۵ طبع دارالکتب العلمیة چنین ذکر است :

« سِنَّ الْبُلُوغِ ، أَي مَنْ أَتَمَّ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً مِنْ عُمُرِهِ وَلَمْ تَطْهَرْ عَلَيْهِ آثَارُ الْبُلُوغِ يُعَدُّ بِالْعَاقِبَةِ كَمَا ، يَعْنِي إِذَا أَكْمَلَ الْعُلَامُ أَوْ الْبِنْتُ الْخَامِسَةَ عَشْرَةَ يَلْزَمُ الْحُكْمَ بِكُؤُنِهِمَا بِالْعَيْنِ وَلَوْ لَمْ يَطْهَرْ عَلَيْهِمَا أَنْزَلُ مِنَ الْبُلُوغِ (عَلِيٌّ أَفَنَدِي) ؛ لِأَنَّ ظُهُورَ عَلَامَةِ الْبُلُوغِ فِي هَذِهِ السِّنِّ هُوَ الْعَالِبُ الشَّائِعُ ، وَعَلَيْهِ فَكَمَا أَنَّ مَنْ تَطْهَرُ عَلَيْهِ عَلَامَةُ الْبُلُوغِ يُعَدُّ بِالْعَاقِبَةِ بِمُقْتَضَى الْمَادَّةِ (۹۸۵) كَذَلِكَ يُعَدُّ بِالْعَاقِبَةِ مَنْ أَدْرَكَ مُنْتَهَى سِنِّ الْبُلُوغِ وَلَمْ تَطْهَرُ عَلَيْهِ عَلَامَةُ الْبُلُوغِ « « قُلْتُ : وَهُوَ مُمَكِّنٌ بِالْحَبْلِ أَوْ الْإِحْبَالِ أَوْ سِنِّ الْبُلُوغِ أَوْ رُوِيَةِ الدَّمِ أَوْ الْمَنِيِّ «

ونیزدر حاشیة الطحطاوی علی مراقی الفلاح طبع دارالکتب العلمیة ج: ۱ ص: ۹۶ چنین آمده:

(قوله (ولمن بلغ بالسِّنِّ) احترز به عن بلوغ الصبي بالاحتلام والإحبال والانزال وعن بلوغ الصبية بالاحتلام والحیض والحبل فإنه لا بد من الغسل فیها قوله (وهو خمس عشرة سنة على المفتي به)

همچنان در مجمع الانهر فی شرح ملتقی الابحر طبع دارالکتب العلمیة ج: ۴ ص: ۶۱ چنین آمده:

« وعندهما والأئمة الثلاثة إذا تم خمس عشرة سنة فیهما أي في الغلام والجارية وهو رواية عن الإمام وبه یفتی « در الفتاوی الهندیة طبع دارالفکر ج: ۵ ص: ۶۱ چنین آمده است:

(بُلُوغُ الْعُلَامِ بِالْإِحْتِلَامِ أَوْ الْإِحْبَالِ أَوْ الْإِنْزَالِ وَالْجَارِيَةِ بِالْإِحْتِلَامِ أَوْ الْحَيْضِ أَوْ الْحَبْلِ كَذَا فِي الْمُخْتَارِ وَالسِّنُّ الَّذِي يُحْكَمُ بِبُلُوغِ الْعُلَامِ وَالْجَارِيَةِ إِذَا انْتَهَيَا إِلَيْهِ خَمْسَ عَشْرَةَ سَنَةً عِنْدَ أَبِي يُوسُفَ وَمُحَمَّدٍ رَحِمَهُمَا اللَّهُ تَعَالَى وَهُوَ رَوَايَةٌ عَنْ أَبِي حَنِيفَةَ رَحِمَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَعَلَيْهِ الْفَتْوَى)

بعض مسائل ضروری متعلق به روزه ماه مبارک رمضان

1. زن حامله اگر خون ببیند آن خون حیض نیست وآن دم استحاضه میباشد ومانع گرفتن روزه نمی شود.

دلیل بر آنچه گفته شد:

درالدرالمختار ۱: ۲۰۹ عبارت چنین آمده :

(وماتراه الصغيرة دون التسع.....وحامل ولوقبل خروج اكثرالولد استحاضة)

همچنان درهمان مرجع ۱: ۲۱۸ آمده :

(ودم الاستحاضة حكمه كرعاف دائم وقتا كاملا لايمنع صوما وصلاة)

2. استعمال پیچکاری روزه را فاسد نمی کند برابراست که دررگ باشد ویا درگوشت بخاطریکه توسط پیچکاری ازطریق

مسامات دواء داخل بدن می شود نه به طریقه منافذ ازاین جهت که درمابین دست پا وشکم کدام منفذی وجودندارد.

الدلیل علی ذلك:

صرح بهذا الاصل فی الهندیة ۱: ۲۰۳:

(ومايدخل من مسام البدن من الدهن لايفطرهكذا في شرح المجمع)

3. بوکردن دواء درحالت روزه روزه را فاسد نمی سازد بخاطریکه ذرات دوا بذیعه بوکردن داخل بدن نمی شود .

الدلیل علی ماقلنا:

قال العلامة ابن عابدين ۲: ۱۰۶: (وَإِنْ وَجَدَ طَعْمَهُ فِي حَلْقِهِ) أَي طَعْمَ الْكُحْلِ أَوْ الدُّهْنِ كَمَا فِي السِّرَاجِ وَكَذَا لَوْ بَرَقَ

فَوَجَدَ لَوْنَهُ فِي الْأَصْحِ بَحْرًا قَالَ فِي النَّهْرِ ؛ لِأَنَّ الْمَوْجُودَ فِي حَلْقِهِ أَثَرٌ دَاخِلٌ مِنَ الْمَسَامِ الَّذِي هُوَ خَلْلُ الْبَدَنِ وَالْمُفْطِرُ

إِنَّمَا هُوَ الدَّاخِلُ مِنَ الْمَنَافِذِ لِلاِتِّفَاقِ)

وفي الهندیة: ۱: ۲۰۳: (وَلَوْ أَقْطَرَ شَيْئًا مِنَ الدَّوَاءِ فِي عَيْنِهِ لَا يُفْطِرُ صَوْمَهُ عِنْدَنَا وَإِنْ وَجَدَ طَعْمَهُ فِي حَلْقِهِ وَإِذَا بَرَقَ

فَرَأَى أَثَرَ الْكُحْلِ وَلَوْنَهُ فِي بُزَاقِهِ عَامَّةُ الْمَشَايخِ عَلَى أَنَّهُ لَا يُفْسِدُ صَوْمَهُ كَذَا فِي الذَّخِيرَةِ وَهُوَ الْأَصْحُ)

3 بوس کنار درماه مبارک رمضان اگرطرفین زن وشوهر از وقوع جماع مامون باشند روزه را فاسد نمی

سازد.

دلیل بر آنچه گفته شد:

چنانچه درفتاوی عالمگیریة ۱: ۲۰۴ آمده:

(وَإِذَا نَظَرَ إِلَى امْرَأَةٍ بِشَهْوَةٍ فِي وَجْهِهَا أَوْ فَرْجِهَا كَرَّرَ النَّظَرَ أَوْ لَا لَا يُفْطِرُ إِذَا أَنْزَلَ كَذَا فِي فَتْحِ الْقَدِيرِ)

قال العلامة ابن عابدين ۲: ۱۰۳ (أَمَّا الْإِنْزَالُ بِمَسِّ أَوْ تَقْبِيلِ بَهِيمَةٍ فَإِنَّهُ لَمْ يُوْجَدْ فِيهِ شَيْءٌ مِنْ مَعْنَى

الْجَمَاعِ فَصَارَ كَالْإِنْزَالِ بِنَظَرٍ أَوْ تَفَكُّرٍ فَلِذَا لَمْ يَفْسُدِ الصَّوْمُ إِجْمَاعًا)

4 درمورد افطار روزه مشوره داکتری که باتجربه ودیندار باشد ضروری است.

الدليل على ذلك:

قال العلامة ابن عابدين ٢٢٦:٢ (قوله طبيب حاذق مسلم مستثور) (وقيل عدالته شرط وجزم به الزليعي وظاهر ما في البحر والنهر ضعه قلت: وإذا أخذ بقول طبيب ليس فيه هذه الشروط وأفطر فالظاهر لزوم الكفارة كما لو أفطر بدون أمارة ولا تجربة لعدم غلبة الظن والناس عنه غافلون)

4. از استعمال نمودن سكرت در روز ماه مبارك رمضان بالای روزه دار علاوه از قضاء كفاره نیز لازم می گردد.

دلیل بر آنچه گفته شد:

قال العلامة ابن عابدين رحمه الله في كتابه ردالمحتار ٢: ١٠٦: (قوله: أنه لو أدخل حلقه الدخان) أي بأي صورة كان الإدخال، حتى لو تبخر ببخور وآواه إلى نفسه واشتمته ذاكراً لصومه أفطر لإمكان التحرز عنه وهذا مما يفعل عنه كثير من الناس، ولا يتوهم أنه كشم الورد ومائه والمسك لوضوح الفرق بين هواء تطيب بريح المسك وشبهه وبين جوهر دخان وصل إلى جوفه بفعله إمداد وبه علم حكم شرب الدخان ونظمه الشرئبلائي في شرحه على الوهبانية بقوله: ويمنع من بيع الدخان وشربه وشاربه في الصوم لا شك يفطر ويلزمه التكفير لو ظن نافعاً كذا دافعاً شهوات بطن فقرروا).

5. انتهای سحرکه بعد از آن امساک از مفطرات ضروری میباشد همانا دمیدن شفق صبح است که آنرا صبح صادق می گویند که

روزه از آن لحظه آغاز میگردد.

دلیل بر آنچه گفته شد:

چنانچه در حاشیه الطهطاوی علی مراقی الفلاح ١/٤١٩ آمده: (قوله (النهار ضد الليل) قال في الشرح النهار عبارة عن زمان ممتد من طلوع الفجر الصادق إلى غروب الشمس وهو قول أصحاب الفقه واللغة) همچنان در فتاوی شامی ٧/٣١٥ چنین آمده: (قوله: وهو اليوم) أي اليوم الشرعي من طلوع الفجر إلى الغروب، وهل المراد أول زمان الطلوع أو انتشار الضوء؟ فيه خلاف كالخلاف في الصلاة والأول أحوط والثاني أوسع).

6. کشیدن دندان در روز ماه مبارك رمضان برای روزه دار در صورت درد شدید وبه وجود آمدن تکلیف درست است و در غیر آن

مکروه می باشد ولی روزه دار کوشش کند که خون داخل حلقش نشود در صورت داخل شدن خون در حلق روزه دار روزه اش فاسد می گردد.

الدليل على ذلك:

چنانچه در فتاوی شامی ٢/٤٣٦ آمده (ومن هذا يعلم حكم من قلع ضرسه في رمضان ودخل الدم إلى جوفه في النهار ولو ناعما فيجب عليه القضاء، إلا أن يفرق بعدم إمكان التحرز عنه فيكون كالقلى الذي عاد بنفسه). فقط والله اعلم

مراجعی که در ترتیب این فتوی از آن استفاده شده:

| | | |
|--------------------------|-------------------------------|---------------------------------|
| بدرالفتاوى فى فقه الحنفى | دررالحكام شرح مجلة الاحكام | قرانكريم |
| فتاوى حقانيه | الاختيار | صحيح البخارى |
| احسن الفتاوى | الدرالمختار | صحيح المسم |
| فتاوى دارالعلوم زكريا | احكامالقران للجصاص | ردالمحتار |
| | إحياء علومالدين | الفتاوى الهندية |
| | النتف فى الفتاوى | البدائع الصنائع |
| | مجمع الانهرفى شرح ملتقى الابر | المبسوط لشيباني |
| | | البحرالرائق |
| | | مراقى الفلاح |
| | | حاشيه الطهطاوى على مراقى الفلاح |
| | | العناية شرح الهداية |
| | | الهدايه |